

مدرسه کرمانها را بنده سالهاست که می‌شناسم
ومی‌دانستم که یکی از مدارس مترقی و مبارز در قم،
مدرسه کرمانیهاست.

مقام معظم رهبری

عمر
مردمان ایران را می‌شناسم
مردمان ایران را می‌شناسم

نیم‌دوم بهمن سال رفتار عنوی (۱۳۸۰)

شماره ۶ / قیمت ۲۵۰ ریال

✓ خبر ویژه

صفحه ۳

✓ قبل ...

صفحه ۳

✓ نقد مراحل براندازی در زیارت عاشورا

صفحه آخر

عرصه اول ... با مسئولیت سر دبیر

«سگ» همچنان پارس می‌کند!

۵۰ سال پیش، زمانی که ملت ایران به رهبری مجاهد نستوه موحود آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی (ره) و فداکارانی فدائیان اسلام علیه استعمار انگلیس می‌جنگیدند، آن پیر خستگی‌ناپذیر که مصدق و هوادارانش برای همیشه تاریخ، شہرت و محبوبیت کنونی خویش را مدیون تلاش و مجاهدتهای او هستند همواره انگلیسیها را «سگ» می‌نامید و آنان را اینگونه خطاب می‌کرد. آن همه ایامی که مصدق که به فرموده شهید مدرس در کلاس اول سیاست (دعوت‌نمازی) درحالی می‌زد، با آمریکائیان نرد عشق می‌باخت و گمان می‌کرد با کمک آمریکا (هم پیمان همیشگی انگلیس) علیه انگلیس می‌جنگد و طرفدارانش سالهاست او را به ناحق قهرمان می‌نوازد با استعمار معرفی می‌کنند.

امروز هم اوضاع خیلی جانجا نشده است. امروز تنها آمریکا و انگلیس به جای همه آمده‌اند. امروز آمریکا به ایران لحنند می‌زد و امروز هم انگلیس بی در پی تماس تلفنی و حضوری برقرار می‌کند. اما شرم آورتر آن است که نخست وزیر این کشور با شنیدن اخبارات ضد ایرانی بوش در پوست خویش نمی‌گنجد و از سوی دیگر وزیر خارجه‌اش که طی ماههای اخیر دو بار در سایه لحندهای مدنی و دیپلماتیک با به ایران گذاشت و در مهد اسلام، علیه اسلام و به نفع صهیونیسم سخن راند، بی شرمانه و همگام با ژنرال سیاستمدار آمریکا برای ایران عربده می‌کشد و تصریح می‌کند که عملکرد گروههای ضد آمریکایی و انگلیسی ایران را زیر نظر دارد. پس هوشیار باشی که «سگ» همچنان پارس می‌کند و حال با ماست که چون کاشانی باشی و با چون مصدق فریب لحندها را نخوری و سگ گامان نگیری!



ما تا آخرین نفس ایستاده‌ایم...

باید به خود آمده و به جای حسرت برگزیده و آرزوهای خام و بی پایه برای آینده «حال» را دریابیم. در اشعار منسوب به امیر مؤمنان علی علیه السلام چنین آمده است:

مسافات مضی و ما سیانیک فاین

قم فاغتم الفرصة بین العدمین
آنچه گذشت که گذشت و آینده هم کجاست؟
پس برخیز و فرصت میان آن دو عدم را دریاب

چشمه ساران

علی فرخیز
قَالَ الْإِمَامُ الصَّادِقُ عليه السلام لَمَّا سُئِلَ عَنِ الْبُشَيْرِ قُلُوبٌ حَلَّتْ
عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ حُبَّ غَيْرِهِ (۳)

از حضرت امام صادق علیه السلام در مورد عشق سؤال شد. حضرت فرمودند قلبی که از یاد خداوند غافل شود خداوند حب غیر خودش در آن قلب وارد می‌کند.

حدیث شریف بیانگر مردود بودن هرگونه محبتی غیر محبت الله است. پس اگر قلب مظلوف محبت خلق بما هو مضموم است. سؤالی پیش می‌آید و آن اینکه: علاقه شدید برخی از علما به شاگردان یا برخی عرفا برای چیست؟ پاسخ روشن است - محبتی که منجر به محبت الله شود نه اینکه مشکلی ندارد بلکه ممدوح است. و از همین قبیل است محبت به ائمه اطهار علیهم السلام.

جرعه‌ای از احکام

محمد حسن دهقان

س: با توجه به ترویج موسیقی از طرف بعضی مراکز فرهنگی، برخی می‌گویند: غنا حرام است و موسیقی اشکال ندارد. تفاوت بین غنا و موسیقی را بیان فرمایید و برخی می‌گویند: موسیقی اصیل و سستی اشکال ندارد لفظاً نظراتان را بفرمایید.

- مقام معظم رهبری: غنا خوانندگی مطرب و منهنی متناسب با مجالس عیش و نوش است و موسیقی نوازندگی بی‌همان اوصاف است و در حکم با هم فرقی ندارند و هر دو حرام است.

- حضرت آیت الله فاضل لنکرانی: غنا آوازی است که در آن صدا را در گلو می‌گردانند که به زبان عرفی چهجه می‌گویند و طرب‌انگیز هم باشد و مناسب با مجالس لهو و لعب هم باشد که این حرام است و موسیقی به یک تعریف ترکیب اصوات است به نحوی که خوش آیند باشد لذا اگر مناسب مجالس لهو و لعب باشد حرام است.

- حضرت آیت الله مکارم شیرازی: کلیه صداها و آهنگ‌های مناسب مجالس لهو و لعب حرام است و تشخیص آن با مراجعه به اهل عرف خواهد بود.

تلنگرهای معنوی / ۳

استاد مظفری

کسانی که قدر سرمایه‌هایشان را نمی‌دانند طبیعی است که بهره کافی از آن نمی‌برند و به ثمن بخشی آن را از دست می‌دهند. جوانی که ارث هنگفتی را از پدرش به ارث برده ولی آنها را در راه عیش و نوش و خوشگذرانی به مصرف می‌رساند آینده سیاه و تاریکی را در پیش دارد و به زودی سرانگشت ندامت خواهد گزید.

البته ارزش سرمایه نیز یکسان نیست. بعضی را به راحتی میتوان دوباره بدست آورد بعضی را سخت‌تر و بعضی را هم اگر از دست بدهیم هرگز نمی‌توانیم دیگر به دست آوریم.

«عمر» انسان از این نمونه است و به رانسی زبان کار کسی است که این سرمایه را که با هیچ سرمایه دیگری قابل مقایسه نیست به راحتی از دست بدهد.

گذشت زمان، دست به کاری نزدی

برگردن لحظه‌ها مسبازی نزدی

صد توپ زدی، تمام را کردی «اوت»

صد پاس گرفته آبشاری نزدی (۱)

پس باید «عمر» را غنیمت شمرد و از آن به خوبی بهره برد.

از چیزهایی که مانع استفادهٔ بهینه از عمر است آرزوهای دور و دراز است یعنی به جای استفاده از عمر در راه انجام وظیفه، انسان امروز و فردا کردن رایشه خود سازد و به خود وعده فردا و پس فردا دهد و کار خیر را دائماً به تأخیر افکند در این صورت چه خواهد شد؟ «نیمه اول عمر به امید نیمه دوم می‌گذرد و نیمه دوم به حسرت نیمه اول» (۲)

در جوانی بازی، در جوانی مستی، در میان سالی دنیا پرستی، و در پیری سستی، به رانسی پس کی خدا پرستی؟

در خیر آمده است که در روز واپسین برای ساعت‌های شبانه روز بندگان، ۲۴ خزانه می‌نهند، پس خزانه‌ای را می‌گشایند که بنده آن را بر از نور اعمالی حسنه‌ای می‌بیند که در آن ساعت انجام داده. پس چنان شادی و سروری به او دست می‌دهد که اگر آن را بر اهل دوزخ تقسیم کنند احساس درد و رنج را از ایشان می‌ریاید، و خزانه دیگری را می‌گشایند پس آن را سیاه و تاریک می‌بیند و بوی گند آن به مشامش می‌رسد و این ساعتی است که در آن خدای تعالی را نافرمانی کرده. پس آنچنان حزن و وحشتی او را فرا می‌گیرد که اگر آن را بر اهل بهشت تقسیم کنند شادی آنها را بر هم می‌زند. و خزانه دیگری را می‌گشایند، آن را خالی می‌بیند و این ساعتی است که در آن خوابیده و یا به یکی از مباحات دنیا خود را مشغول ساخته. پس از خالی بودن آن حسرت می‌خورد و از سود زیادی که می‌توانست در آن ساعت به دست آورد، و به همین صورت خزانه‌های ساعات عمرش را (یکی یکی) برباوه عرضه می‌کنند.

۱- از همدلی تا همراهی - جواد محدثی - صفحه ۹۶

۲- همان - صفحه ۸۷

۳- میزان الحکمه - باب عشق

قیل ...

✓ قیل ... که در سال جاری چند تن از عناصر بر جسته رژیم پهلوی در کشورهای غربی مرده‌اند. علاوه بر لیل پهلوی دختر کوچک شاه فراری که در اثر فشار ناشی از حضور مردم در صحنه‌های انقلاب و ناامیدی به بازگشت به کشور، خودکشی کرد، ثریا اسفندیاری همسر دوم و مطلقه شاه فراری که از افراد بر جسته ایل بختیاری بود در سنین کهنوت در ایتالیا مرد. بنا به گفته اردشیر زاهدی سفیر سابق ایران در آمریکا، ثریا حتی پس از جدایی، با شاه ارتباط نزدیک داشته است. پس از وی برادرش بیژن بختیاری نیز مرد. همچنین مدتی پیش ارتشبد ازهارلی نخست وزیر جناحتکار رژیم که در آخرین روزهای عمر رژیم برای سرکوب قیام ملت به حکومت رسید، در ایالات متحده مرد. وی همان کسی است که صدای تکبیرهای شبانه مردم را ناشی از صدای نوار دانسته بود و در جواب او مردم می‌گفتند:

ازهارلی بیچاره بازهم بگو نواره نواره که پانداره

✓ قیل ... از سوی دیگر طی روزهای گذشته سایروس و نسن وزیر خارجه آمریکا در زمان انقلاب (دولت کاتر) در اثر کهنوت سن درگذشت. وی از عوامل اصلی انعقاد پیمان ننگین کمپ دیوید (صلح مصر و اسرائیل) بود و در اعتراض به حمله نظامی آمریکا در واقعه طیس از مقام خود استعفا داده بود.

✓ قیل ... که حجة الاسلام کاظمی از نزدیکان مرحوم آیت‌الله شیرازی در گفتگو با روزنامه رسالت تأکید کرد که بر خلاف جوسازها، آن مرحوم مسئولین نظام جمهوری اسلامی را خیرالموجودین می‌دانسته است. همچنین گفته شده که وی در اواخر عمر قصد داشته شبکه ماهواره‌ای بین المللی دینی تأسیس کند.

✓ قیل ... که مهلت دوره کنونی مجمع تشخیص مصلحت نظام ماه آینده به پایان می‌رسد. از اعضای کنونی، عبدالله نوری در زندان به سر می‌برد و موسوی خوینی‌ها نیز مدت‌هاست که در جلسات مجمع شرکت نمی‌کنند. ترکیب آینده مجمع نقش مهمی در حل بحرانهای آتی ایفا خواهد کرد.

ایسم‌ها (۲)

مسعود سلمه‌ای

فاشیسم:

واژه فاشیسم از کلمه لاتینی فاشیسم گرفته شده و نشان آن عبارتست از یک دسته چوب و یک تیر که بعنوان نشان اعتبار در پیشاپیش دادرسان ژمی حمل می‌شد.

کیش فاشیسم: کیشی است فهرمانی و ستایش گر جرنل و خطر عقائد فاشیسم:

۱- فرد و حقوق او و حتی انسانیت او را به نفع انحصاری ملت نادیده می‌گیرد.

۲- به طور کامل اصول آزادی و دموکراسی را قبول ندارد. و در حقیقت این نظام بازگشتی است به یک نظام فردی بر مبنای اطاعت و ناپرابری در طبقه و مقام.

۳- در این نظام رهبران نه انتخابی هستند و نه در برابر مردم مسؤولیت دارند.

خبر ویژه

کوفی عنان (در ملاقات با مقام معظم رهبری): احساس کردم هنوز کسی را مثل ایشان ندیده‌ام.

در پی دیدار اخیر کوفی عنان دبیر کل سازمان ملل متحد با مقام معظم رهبری، نامبرده به هنگام ترک تهران در فرودگاه مهرآباد طی گفت و گوهای نکاتی را درباره دیدار خود با معظم‌له بیان داشت.

وی گفت: من با شخصیت‌هایی از جمله ژاک شیراک، گورباچف، هلموت کیل دیدار داشته‌ام که تحت تأثیر آنها قرار گرفته‌ام ولی در ملاقات با ایشان (مقام معظم رهبری) احساس کردم هنوز کسی را مثل ایشان ندیده‌ام. وی افزود: شخصیت معنوی ایشان چنان من را گرفت و تحت تأثیر قرار داد که پیش خود فکر کردم که چرا شخصیتی مثل من باید دبیر کل سازمان ملل متحد باشد. وی افزود پس از این دیدار تمام شخصیت‌هایی که مرا جذب کرده بودند همه را به فراموشی سپردم. کوفی عنان در ادامه با اشاره به اینکه همیشه معتقد بودم شخصیت معنوی و عرفانی از مسائل سیاسی اطلاعاتی ندارند در دیدار اخیر ایشان (مقام معظم رهبری) را در اوج قداست شخصیت سیاسی دیدم که آنچه از سیاسیون بزرگ در ذهنم بود همه را پاک کرد.

عرصه احزاب سیاسی / ۳

جامعه روحانیت مبارز تهران / ۱

★ تاریخ تأسیس: ۱۳۶۶ شمسی

★ مؤسین: شهید بهشتی، شهید باهنر، شهید مفتاح، شهید مطهری. مقام معظم رهبری، آیت‌الله مهدوی کنی. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی. آیت‌الله امامی کاشانی، حجة الاسلام ناطق نوری و...

★ علت تأسیس: هماهنگ شدن فعالیت‌های روحانیون و فضلا علیه رژیم

★ نحوه تشکیل: مقام معظم رهبری و شهید بهشتی همواره تشکیل چنین گروهی را تعقیب می‌کردند. این امر در پی هماهنگی با دیگر بزرگان در اواخر سال ۵۶ محقق گردید.

★ عملکرد جامعه در زمان انقلاب: این شکل نقش بسیار مهمی در سازماندهی فعالیت‌های اساسی انقلابیون علیه رژیم ایفا کرد. از جمله می‌توان به راهپیمایی بزرگ تاسوعا و عاشورای سال ۵۷، نماز عید فطر سال ۵۷ و تشکیل شورای انقلاب اشاره کرد. ادامه دارد

رجحان تقلید از مقام معظم رهبری از دیدگاه صاحب نظران

الف اهمیت بحث اعلمیت

یکی از مباحث مهم پیرامون مسأله تقلید تشخیص اعلمیت مجتهد است. شرط اعلمیت اگر چه در کتب فقهی متقدمین به چشم نمی خورد، اما بعد از تحقیقات اصولی و دقتکاری هایی در علم اصول و گسترش در فقه این شرط مورد نظر علما قرار گرفته است. (۱) در تعریف اعلمیت اگرچه الفاظ مختلفی در رساله های عملیه به کار رفته است، لیکن همه از یک مفهوم نشأت می گیرند. علمای متأخر اعلمیت را به معنای استادتر، بهتر، تواناتر و عالتر بودن یک مجتهد از مجتهدین هم عصر خود گرفته اند. (۲) با اینحال مسأله تشخیص اعلم همواره مورد نزاع و اختلاف صاحب نظران بوده است. تنها در زمانهایی که مجتهدی مرجعیت عامه و علی الاطلاق داشته است (مانند مرحوم آیت الله العظمی بروجردی) این مسأله متفق فیه بوده است.

ب اعلمیت و ملاکی دیگر

در مسأله سوم رساله های عملیه مراجع، با اشاره به سه راه شناخت اعلم، در دومین راه آمده است که اعلم با قول دو عالم عادل شناخته می شود. آنگاه چنین شرط شده که نباید دو نفر عالم عادل دیگر با گفته آنان مخالفت نمایند اما در برخی اعصار چون عصر فعلی، این مسأله عملاً محقق نمی شود و نظرات مختلفی در خصوص اعلمیت افراد، ارائه می شود. آیا این بدین معناست که اعلم وجود ندارد؟ و آیا ملاک دیگری در اعلمیت وجود ندارد؟

برخی از علمای آگاه و خیره کنونی نظرات دیگری در خصوص اعلمیت داده اند. به عنوان مثال آیت الله محمد ابراهیم جناتی که از شاگردان برجسته آیات عظام حکیم، خوئی و میرزا باقر زنجانی (رحمة الله علیهم) می باشد با اشاره به ضرورت نظام مند شدن امر مرجعیت مخالفت خود را با هرگونه تشکیک و تفرقه سرمایه های الهی اعلام می کند. آنگاه وحدت مرجعیت و رهبری در شخص رهبر را از لوازم نظام مند شدن مرجعیت می داند. آیت الله جناتی تصریح کرده است: «لوسلم که در مرجعیت اعلم بودن شرط باشد، اعلم من حیث المجموع باید ملاحظه شود، چرا که از شرایط مرجعیت، آگاهی و بصیرت به زمان است و مرجع باید قدرت درک تحولات مادی و روابط خارجی و داخلی را داشته باشد» (۳) مرحوم آذری قمی نیز نظر مشابهی ارائه کرده است. (۴) آیت الله هاشمی شاهرودی در درس خارج فقه خود به تاریخ ۲۸ آبان سال ۱۳۷۶ پیرامون ویژگی های اعلم تصریح می کند:

«به نظر من دقت نظر و قناعت یک فقیه آنجا بیشتر مشخص می شود که خودش مسأله ای را بررسی کند که گذشتگان خیلی بحث نکرده باشند، خودش برود منابع را پیدا کند، قواعد لازم فقهی را پیدا کند و بر آن مسأله تطبیق دهد.» (۵) وی در این سخنرانی که پس از تشکیک آقای منتظری در اجتهاد و اعلمیت مقام معظم رهبری ایراد شده است برخی ملاکهای مهم اعلمیت را در فهم روح اسلام و درک دقیق سیره معصومین (علیهم السلام)، فهم فرهنگ و مسائل فکری و حقوقی روز، اطلاع بر کل معارف اهل بیت (علیهم السلام) در مسائل غیر فقهی (فرهنگ عمومی و معارف اسلامی) دانسته است. (۶)

همچنین آیت الله محمد یزدی نیز در شرط اعلمیت قید «من حیث المجموع» را داخل کرده است. از سوی دیگر حمید انصاری قائم مقام مؤسسه نشر آثار امام (علیه السلام) در کتاب «مرجعیت و رهبری، تفکیک یا وحدت؟» با بررسی سیره حضرت امام (علیه السلام) و برخی ادله تاریخی و سیاسی و تجربه هایی از دوران انقلاب به این نتیجه رسیده است که مرجعیت و رهبری باید در شخص رهبر متعین گردد. و این همان نظری است که علمایی چون آیات جناتی و محمد باقر حکیم و آذری قمی بدان رسیده اند.

ج نظرات علما پیرامون رجحان تقلید از مقام معظم رهبری در خصوص برتری تقلید از مقام معظم رهبری جمع زیادی از علما با تعبیر مختلف اظهار نظر کرده اند. تعبیری چون اولی، اصلح و اعلم من حیث المجموع با توجه به مقدمه پیشین روشن خواهد شد.

۱- آیت الله واعظ زاده خراسانی: امام خامنه ای به خاطر جهاد دامنشان در راه اسلام، فهم سلیم و مستقیم کتاب و سنت، بصیرت در حل مشکلات فقهی از نزدیکترین راهها و در اداره امور مسلمین با آسانترین روشها در بین سایر فقها برتری و تعیین در تقلید دارند. (۷)

۲- آیت الله جناتی: به نظر بنده اصلح و اعلم من حیث المجموع حضرت آیت الله خامنه ای است.

۱- سخنرانی درس خارج آیه الله هاشمی شاهرودی - ۷۶/۸/۲۸ (ویژه نامه منتظری از لوج تا فرد - نشریه ارزشها)

۲- سئنه دوم رساله های توضیح المسائل

۳- مرجعیت ساحة آية الله العظمی الخامنای - مکتب الاعلام الاسلامی فی الموزه العلمیه بمق المقدسه (دفتر تبلیغات اسلامی حوزه) صفحه ۲۰۲

۴- همان - صفحه ۱۷۸ ۵- رک. باورفی اول

۶- همان

۷- این موارد و استنبهات دیگر رک. باورفی سوم

۳- آیت الله بنی فضل: به نظر بنده همانگونه که ایشان رهبر مسلمین می باشند اولی است که مرجع تقلید مسلمانان نیز باشند.

۴- آیت الله صابری همدانی: تقلید از ایشان نه تنها اشکال ندارد بلکه شایسته تر و مناسبتر است. زیرا ایشان فقیهی عالم، پرهیزگار و آگاه به زمانند.

۵- آیت الله محمد تقی هاشمی حسینی: بر همه مسلمانان و مؤمنین شیعه لازم است که از ایشان تقلید کنند.

۶- مرحوم آیت الله شیخ هادی روحانی: مناسب و بلکه لازم است که مسلمانان و شیعیان از ایشان تقلید کنند.

۷- آیت الله شفیعی: تقلید از ایشان به صلاح اسلام و مسلمین و موجب کمال عزت و وحدت امت اسلامی خواهد شد.

۸- آیت الله سید محمد باقر حکیم: توجه به رهبری و مرجعیت دینی ایشان دارای مصلحت بزرگی برای اسلام و امت اسلامی است.

۹- آیت الله شیخ هادی باریکین: تقلید از ایشان جائز و بلکه اصلح است.

۱۰- آیت الله محسنی گرکانی: تقلید از مقام معظم رهبری اولی است.

۱۱- آیت الله جلال الدین طاهری: اولی و اصلح آن است که ایشان هر دو مسئولیت رهبری و مرجعیت را به خاطر

مصلح اسلام و انقلاب بر عهده داشته باشند.

۱۲- آیت الله غروی: حفظ کیان اسلامی و مصلحت مسلمین اقتضا می کند که مرجعیت و رهبری در یک نفر باشد.

۱۳- علامه سید کمال حیدری: توجه به رهبری و مرجعیت ایشان دارای مصلحت بزرگی برای اسلام و امت اسلامی است.

۱۴- آیت الله سید صابر جباری: باید اذعان نمود که در جهان معاصر با خصوصیت موجود و مرجحات جنسی، فرد متعین برای مرجعیت و زعامت حضرت آیت الله العظمی حاج سید علی خامنه ای است.

۱۵- آیت الله نور مفیدی: با توجه به اهمیت مسأله مرجعیت در شرایط حاضر و عنایت به تمام جوانب امر، به نظر اینجانب حضرت آیت الله خامنه ای و آیت الله فاضل لنکرانی اصلح و ارجح از دیگران می باشند و تقلید از آنان متعین است.

۱۶- آیت الله تسخیری: با توجه به شناخت و اطلاع کافی، عقیده دارم که زمام امور مرجعیت شایسته است که به ایشان واگذار شود و مصلحت این امت بلند مرتبه، با مرجعیت ایشان محقق شود.

همچنین مرحوم آیت الله خاتم یزدی، آیت الله یزدی، آیت الله هاشمی شاهرودی، آیت الله سید حسن موسوی، حجة الاسلام والمسلمین امام جمارانی و سید حسن نصرالله نیز بر اعلمیت معظم له صحه گذاشته اند.

عکس هفته...



ادامه متن سخنرانی مقام معظم رهبری در جمع طلاب مدرسه

یکبار که خدمت ایشان رفته بودم چون آنجا خوب، لباس کار سربازی تنم بود و تکیه سوار طیاره می‌شدم که بیایم اینجا یا با ماشین یا با قطار قبا می‌پوشیدم و عمامه به سرم می‌گذاشتم. این لباس هم آن زیر می‌ماند یعنی نیاسی نداشتم که عوض کنم همان جور هم می‌رفتم خدمت امام وقتی چشمشان افتاد به این لباس نظامی یک تعبیری کردند که احتمال می‌دهم نوشته باشد، عین کلمات ایشان را، چون گاهی فرمایشات امام را عیناً من می‌آیم بیرون می‌نویسم، اجمالش پادم هست، گفتند: شاید احتمال می‌دهم که در یک صحبت عمومی هم همین را تکرار کردند گفتند این واقعاً مثلاً شبیه به این تعبیرات که ماهی افتخار است که حالا یک روحانی لباس رزم تنش می‌کند و این همان چیزی است که باید باشد، طرز فکر امام عزیزمان این است، حقیقتش هم این است که یکروزی بود که لباس رزم را برای روحانی خلاف مروت ذکر می‌کردند در باب نماز جماعت و امام جماعت که بایستی عادل باشد و کار خلاف عدالت و خلاف مروت نکند.

از جمله کارهای خلاف مروت که ذکر می‌شد مثلاً یک نفر امام جماعت لباس نظامی بپوشد لباس الجندی^(۱) که این یک کار خلاف مروت بود و در ردیف مثلاً اینکه فرضاً توی بازار یا تو ازدحام مردم یک حرکت غیرمحرمانه‌ای از کسی سر بزنند چه جوهره، مثل یک فرد محترم روحانی را شما فرض کنید یک مرتبه تو خیابان مثلاً عمامه‌اش را یک جواری بگذارد و عبایش را بیاندازد روی دوشش و بلند بلند آواز بخواند، خلاف مروت یعنی اینجور چیزها، چیزهایی که اصلاً بر خلاف شئون یک نفر آدم حسابی است. لباس نظامی پوشیدن را در ردیف این کار می‌دانستند.

امروز بحمدالله آن چیزی شده که حقیقتش است چون می‌دانید اسلام برای یک مسلمان در کنار نماز جهاد را قرار می‌دهد فرقی با هم ندارند این هم عبادت است. آن هم عبادت بلکه برای یک مسلمان جهاد را وسیله تفرقه قرار می‌دهد، در حالیکه درباره عبادت دیگر چنین چیزی نیامده، تفرقه در دین در میدان جنگ برای انسان بوجود می‌آید. لذا است که واقعاً آن کسانی که آگاهانه و با معرفت در میدانهای جنگ حضور پیدا کردند بخصوص آن کسانی که خود با معاوف اسلامی آشنا بودند که غالباً طلاب و اهل علمی که رفتند و حضور داشتند از این قبیلند اینها یک ایمان و عقیده راسخی به حرکت و عمل پیدا میکنند که به هیچ قیمت نمیشود اینها را متوقفشان کرد و هیچ عاملی نمی‌تواند جلوی اینها را بگیرد که اینها حرکت خودشان را ادامه ندهند. این است و ما در طول چند قرن متأسفانه از این جهت عقب بودیم که امروز این انقلاب این حرکت عظیم را بوجود آورده و شما هم درس می‌خوانید. بنظر من مظهرش شماها هستید این روحانیون

که نوبت جبهه می‌روند آنها روحانی هستند که می‌توانند مفید واقع بشود. هم درستان را میخوانید هم کارتان را می‌کنید.

تحصیلاتان را می‌کنید که میخواهید واقعاً فقیه بشوید که باید هم بخوانید بشوید. شما باید بروید. آره، پی، جی بزیند، غواصی بکنید، دیده‌بانی را بدهید، پای خمپاره بشینید، تک تیراندازی بکنید، هر کاری را که ممکن است مختبرات و غیره...

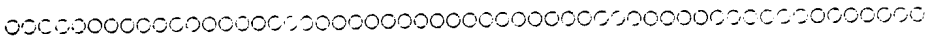
اما اینها را بعنوان ذخیره‌ای در کوله‌بار خودتان از برای یک طلبه خوب شدن یک روحانی عالیقدر شدن یک فقیه سازنده دین شدن و سازنده دین مردم و ایمان مردم شدن که در حقیقت سازنده دنیای مردم همه است. اما این بعنوان یک گام در راه ایجاد و تقویت شخصیت یک فقیه عالیقدر قرار بدهید ببینید آینده ما چقدر به فقه‌های آگاه و بصیر احتیاج دارد و شما ببینید یک امام چه کرد یک نفر بود در حقیقت باید ما بپذیریم و قبول کنیم امام تنها بود آن روزیکه شروع کرد البته خیلیها بودند اما آن کسیکه از روی یک بصیرت کامل و عمیق که هیچ چیز امر را بر او مشبه نمی‌کرد وارد میدان شد امام بود. در یک روایت دیدم که از امام سؤال می‌کند که اینکه در هنگام ظهور قائم آل محمد (ص) ۳۱۳ نفر در اطراف این بزرگوار هستند این معنایش این است که بقیه مؤمن نیستند و فقط ۳۱۳ نفر نجبا و حکام، من اول خیال می‌کردم حکما است بعد نگاه کردم دید نخیر، حکام، اینها فقهه اوصافی که ذکر می‌کنید اینهاست، نجبا یعنی بزرگواران جامعه هستند، حکام جامعه‌اند، یعنی کسانی هستند که در امور اجتماعی مردم منشاء اثرند یک گرهی دست اینهاست یک نقطه‌ای است که اینها آن نقطه را دارند می‌سازند و تعیین کننده هستند. قضات تعبیر قضاوت دارد. کسانی هستند که در حد قضاوت رسیدند یعنی می‌توانند قضاوت کنند. بین حق و باطل یعنی این ملکه قضاوت در اینها بوجود آمده فقها هستند این را می‌شناسند. بعد در دنباله‌اش می‌فرماید که این برای این است که امر بر اینها مشبه نشود. یعنی ولی عصر (عج) و ارواحنا فداء احتیاج دارد به یکمده مشخصی که اینها دیگر هیچ امری برایشان مشبه نشود وسط کار نگویند، که آیا حالا درسته، درست نیست. این حرکت را بکنیم این خونریزی نمی‌دانه، چنین نمی‌شود. این نقش بصیرت و ایمان راسخ و نافذی است که امام دارد. کسانی که در مقابل این پدیده‌های تلخ و دشوار، مردد نشوند، متزلزل نشوند، عقب نشینند، اینها را لازم دارد امام زمان، تا بتواند با اینها وارد این کار عظیم بشود که قرار است دنیا را متحول کند. حالا شما ببینید تحویل یک ایران چقدر دشواری داشته، آنوقت مشکلات زمان ولی عصر چقدر خواهد بود و امام زمان (عج) بایستی بتواند در مقابل همه اینها بایستد و یک پایگاه اصلی لازم دارد که اینها تکان بخور نباشد بصیرت نافذ و راسخ داشته باشند که هیچ چیز اینها را مردد نکند.

مانده‌ام، بنما عنایت، راه او گم کرده‌ام
چون کنم در غربت دل اندرین میدان ظلم؟
ماهیم من لیک دری را دگر گم کرده‌ام
یک ندا آمد که ای گمگشته دنبالش برو
از کسی از آشنایی راه وصلش را بپرس
عافلم، گو چون کنم؟ دادم دگر او را ز دست
او نیاید در مثل اما بگویم این سخن
ای پسر او را صدا کن او یقیناً بشنود

ای تو «محزون» چون گدایان بر سر کویش برو
کوی او را در میان کوی او گم کرده‌ام

وقت مستی باشد اما من سیر گم کرده‌ام
چون رقیه بی کس و تنها عمر گم کرده‌ام
هم که آب زندگی هم آبرو گم کرده‌ام
خون بدل گشتم که راه جستجو گم کرده‌ام
ببر نیاید همزبان گفتگو گم کرده‌ام
در میان ظلمت دل تار مو گم کرده‌ام
من چو بلبل صد شقایق مثل او گم کرده‌ام
نی توانم صوت خود را دز گلو گم کرده‌ام

ح. ق.



ای نغمه چکاوک ای امام
خبریت و پر تصح هر فن و علم و دین
ای از همه بریده، به جز حق ندیده‌ای
روستای پر حرارت این دهر کم عبار
تفکار پر صلابت و اسرار گفته‌ات
آن دشمن عنود و تبهکار و پر عناد
آن مردک پلید و هیولای خیره سر
آن ناکسان بند اندیش و روسیاه
اکنون به حق نگر که چنان جلوه گر شده
ای مرد علم و زهد در این روزگار دون
از نور تابست نه تنها برای ما
آن هدیه خدا که بجز نور حق نبود
از پرتوش نظام الهی در این دیار
ای پیرو حسین و ای تابع حسن
ما را چرا گذاشتی و رفتی از این دیار
دانی از این سفر به سر ما چه آمده؟
ما را نگر چگونه عزادار کرده‌ای
ما را فقط سوخت جگر زین کوف تو
ما در دیار عشق به تو دل نهاده‌ایم
گسریگانی حیزین ز داغت فسرده است

القصه ما ز قنڈ تو بیمار گشته‌ایم.

ای رهمنای فاتح افهام ای امام

ای مرجع تمامی احکام ای امام
مجرى پر حرارت اسلام ای امام
اسراردار نقطه ایهام ای امام
در جهل قدر توست چو خاکام ای امام
میبوت کرده جمله اوفام ای امام
رسوا شده است و خیره و ناکام ای امام
صدام در این زمان شده در دام ای امام
بدتر ز پیش عنصر بد نام ای امام
ای طالب تقدّم اقوام ای امام
خورشید تابناک به هگام ای امام
پر نور گشت بل همه اجسام ای امام
آخر زدود توده اصنام ای امام
نظمی دقیق یافت سر انجام ای امام
بنیانگذار مکتب اسلام ای امام
ناکرده این نهال پراخکام ای امام
زین فاجعه همه شده ایستام ای امام
پس زمرده و حیزین چو اقلام ای امام
بل سوخت جان جمله اعلام ای امام
مجنون وار گوش به الهام ای امام
غمناک و پر ملال به اعوام ای امام

نقد مراحل براندازی در زیارت عاشورا

ابراهیم پور

مطالعه مقاله ۲ قسمتی (مراحل براندازی در زیارت عاشورا و نگذاریم که آن واقعه تکرار شود) برادر عزیزمان آقای فتحی حقیر را بر آن داشت تا نکاتی را که به ذهن قاصر حقیر در مورد این مقاله آمده است با لسانی الکن بیان نمایم:

در بند ابتدایی از قسمت (ب) مقاله بیه ن گردیده است که با بررسی فرازهای مختلف زیارت عاشورا به این نتیجه می‌رسیم که از دیدگاه آن براندازی و نابود کردن یک نظام (اعم از دینی یا غیردینی) در ۳ مرحله براندازی فرهنگی، براندازی سیاسی و در نهایت کودتا صورت می‌گیرد.

به نظر می‌آید چنین مراحلی اگر هم بصورت عملی در صددالته ابتدایی بعد بعثت در جامعه اسلامی طی شد ولی اینکه واقعاً بتوان با بررسی فرازهای متن زیارت عاشورا به این برداشتهای مذکور در مقاله رسید مطلب دور از ذهنی است چرا که اگر بدون نگاه به تحقق ماجرا در خارج، فردی به فرازهای مذکور در زیارت توجه نماید هیچگاه چنین مراحلی، اولاً آنهم به صورت تفکیکی و جداگانه ثانیاً به ذهن نمی‌آید به نظر می‌آید نویسنده محترم با نگاه تاریخی که در ذهن داشته‌اند به مطلب نگاه کرده و هر یک از لغت‌ها را بدون اینکه ظهوری در مطالب مذکور داشته باشند دال بر وقوع مرحله‌ای دیده‌اند میرهن است که عبارت:

لعن الله امة است اساس الظلم والجور علیکم اهل البیت ظهوری غیر از لعن بر بنیانگذاران ظلم و ستم بر اهل بیت (علیهم السلام) ندارد و نیز از عبارت و بنی علیه بنیانه چیزی جز بنیانگذاری کار بنی امیه بر ظلم و ستم فهمیده نمی‌شود.

ضمن اینکه نویسنده محترم این مطلب را فقط خاص جامعه دینی نمی‌داند و موضوع را به جوامع غیردینی نیز عمومیت داده که به فرض اینکه شاهد، دال بر صدق مطلب در جوامع دینی باشد برای اینکه در جامعه غیردینی نیز چنین مراحلی طی شود شاهدی وجود ندارد و معلوم نیست که نگارنده جوامع غیردینی را به چه دلیل به جامعه دینی ضمیمه نموده است.

مطلب دیگری که وجود دارد این است که در وقایع تاریخی نیز که در خارج شکل گرفته است تفکیک مراحل بصورت سیاسی، فرهنگی و کودتای نظامی کار مشکلی است چرا که بخشهای مختلف مذکور از همان اول (البته در صحنه‌های مختلف اما در یک برحه زمانی) بروز و ظهور داشته‌اند گر چه ممکن است حملات فرهنگی یا سیاسی در برحه‌ای پر رنگ‌تر بوده است ولی اینکه این مرحله را فقط بتوان اختصاص مثلاً به بخش فرهنگی داد و از بخشهای دیگری نهی

دانست کار دشواری است.

ضمن اینکه تشبیه جریان عاشورا به یک کودتای نظامی نمودن نیز خالی از میوه نمی‌باشد.

در بخش دیگری از مقاله آمده است که دشمنان شریعت توانستند پس از رحلت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) همه مظاهر دین را پاکسازی کنند.

به نظر می‌رسد آنچه بیشتر بعد از رحلت حضرت ختمی مرتبت (صلی الله علیه و آله) انجام گرفت مبارزه مستقیم با مظاهر دین و پاکسازی آنها نبوده است بلکه دشمنان به نحو مودبانه‌ای با ورود تحریفاتی در دین محتوای آن را از او گرفته و بدینوسیله دین را از جاده اصلی خود خارج نمودند. شاید تعبیر دقیق‌تر و بهتر و غیر مسامحی آن بود که بفرمایند مظاهر دین با حفظ ظاهر آنها خالی از محتوا شدند نه اینکه بفرمایند همه مسائل دین پاکسازی شد.

در بخش پایانی نیز نگارنده مقاله اشاره به این مطلب نموده‌اند که ما در مرحله براندازی سیاسی هستیم در حالی که در فرازهای آخر مقاله بیان می‌کنند که دشمن دو سال قبل در براندازی نظامی شکست خورد.

مطمئناً ذکر این مصیبت‌ها با عبارتهای مختلف و خصوصاً آوردن لعن در کنار آن در زیارت عاشورا همه و همه حاکی از پیامی است و این پیام عبارت است از اینکه حق و باطل را بشناسید و تسلّم و حرّاب را در برابر آنها عمل کنید و در مجموع تولى به ولئى الله و تبری از طاغوت داشته باشید و مشخصاً پیام عاشورا یک پیام جانیه می‌باشد و نه تک بعدی.

در پایان آرزوی سعادت و توفیق را برای نگارنده مقاله مذکور از خداوند متعال خواهانم.

سید روح الله ابراهیم پور

عرصه

نشریه علمی و فرهنگی و سیاسی مدرسه علمیه کربلای

● زیر نظر شورای نویسندگان

سر دبیران: سید مرتضی انطقی - حمید قدیری

مسئول صفحه سیاسی: علی حدادی

مسئول صفحه فرهنگی: ناصر علیحانی

حرف‌چینی: حسین کشمیری